

خودآموز

خط و زبان اوستیایی

بخش نخست:

الفبا، خواندن و نوشتن

هاشم رضی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



خودآموز خط و زبان اوستایی

پژوهش و نوشته : هاشم رضی

ناشر : انتشارات فروزهر

تنظیم و صفحه آرایی : غیروژه رضی

شمار چاپ : چهار هزار نسخه

چاپ دوم : اسفند ۱۳۷۳

چاپ و صحافی : شرکت چاپ خواجه

همه حقوق چاپ و تکثیر متن برای نویسنده محفوظ است.

بها : ۱۵۰ تومان

الفبای اوستایی

۱- الفبای اوستایی یکی از رساترین، کامل‌ترین و آسان‌ترین الفباهای جهان است. فراگیری و خواندن و نوشتن بدان به سهولت انجام می‌شود و برای ضبط دقیق بسیاری از متن‌ها بهترین وسیله می‌باشد.

حروف اوستایی، دارای یک روش درست و رسا در ارائه یک شیوه علمی است و چنانکه خواهد آمد به چند گروه بخش می‌شود. این حرف‌ها از حروف حلقی آغاز شده و با حروف لبی تمام می‌شود. به این معنی که هر چند حرفی از لحاظ روش درست تلفظ، از حلق و دهان و زبان و دندان و لب ادا می‌شوند.

الفبایی که اوستا بدان نوشته شده، دین دبیره یا درست‌تر گفته شود، «دین دبیره»^۱ نامیده می‌شود که تلفظ پهلوی است به معنی الفبا و یا نوشتن دینی، و کهنه‌ترین خط حرفی جهان است.

شمار حروف دین دبیره، چهل و هشت است. از این چهل و هشت حرف، چهارده حرف با صدا^۲ و مانده حرف‌های بی‌صدا می‌باشد^۳. اهمیت این خط در شمار حروف با صداست که امکان می‌دهد ضبط دقیق تلفظ و قرائت متون

1- Din dapirih

2- Vowels

3- Consonants

اوستایی ۱۰ میسر سازد.

در آغاز امر، فهرست چهل و هشت حرف اوستایی با دین دبیره ارائه می شود. نخست چهارده حرف یا صدا و سپس سی و چهار حرف بی صدا، برای هر یک از حروف، از خود اوستا شاهد و مثالی نقل می گردد تا سهولتی در دریافت حاصل باشد.

حرف های با صدا

۲- حرف های با صدا چنانکه اشاره شد، چهارده حرف می باشد. اغلب این حرف ها یا کوتاه و معمولی است، یا کشیده. حرف مصوت «ا» چهار نوع است. اگر کوتاه باشد و یا بلند، شکل حروف یکی است و یا زائده ای حرف بلند مشخص می شود. در نوشتن معمولی، هر کس می تواند به تناسب شمار این حرف ها را کم کند که در مباحث و تمرین های بعدی شیوه کارکرد آن نقل می شود.

اینک حرف های صدا دار در یک جدول نشان داده می شود:

حرف‌های با صدا

اوستا فارسی	واژه از اوستا	نوشتن فارسی	نوشتن لاتین	معنی
۱. 𐬀	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	آپیتی نی تا	apaitita بدوین توبه
۲. 𐬁	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	آماث	āmāta زیر دست، ماهر
۳. 𐬂	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	مرغتا	mereqa مرغ
۴. 𐬃	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	یا آونگنه	ēēāwñh دهان
۵. 𐬄	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	مایشا	maēša میش
۶. 𐬅	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	ذاؤ	daēva دیو
۷. 𐬆	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	مأیری	maoiri مور
۸. 𐬇	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	پئورو	pōuru پُر
۹. 𐬈	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	او پاپ	upāpa آبی
۱۰. 𐬉	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	سوگ	sūka درخشندگی
۱۱. 𐬊	آه کوتاه	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	ای سی	isi یخ
۱۲. 𐬋	آه بلند	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	ویشت	vīsta بیست
۱۳. 𐬌	سج آؤ	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	یا آونگنه	yāwñh کمر بند، کمر
۱۴. 𐬍	آن	𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀	مانتر	mātra گفتار ایزدی

پس از فهرست حرف‌های با صدا، برای آسانی دریافت و یادگیری بهتر، حرف‌های بی صدا با ردیف الفبای فارسی و آن ترتیب معهود نقل می‌شود؛ اما به جای خود از ترتیب موضوعه اوستایی نیز یاد خواهد شد.

حرف‌های بی صدا

اوستا فارسی	واژه از اوستا	نوشتن فارسی	نوشتن لاتین	معنی
۱۵ ل	ل	ل	baēša	دارو، درمان
۱۶ پ	پ	پ	pāza	پا
۱۷ ت	ت	ت	tašta	تشت، ظرف
۱۸ ث	ث	ث	aurvañt	تند، تیز، دلیر
۱۹ ج	ج	ج	cri	سه
۲۰ چ	چ	چ	jaini	جای‌نی
۲۱ خ	خ	خ	čaremā	چرم
۲۲ س	س	س	kšap	کشتاب
۲۳ ع	ع	ع	xyaona	نام قبیله‌ای
۲۴ ف	ف	ف	xareca	خوش
۲۵ د	د	د	duždaēna	بددین
۲۶ ذ	ذ	ذ	maižya	میان، وسط
۲۷ ر	ر	ر	brātar	برادر
۲۸ ز	ز	ز	zairina	زربین، طلا
۲۹ ژ	ژ	ژ	tižin	تیز
۳۰ س	س	س	srira	زیبا
۳۱ ش	ش	ش	vahišta	بهترین، بهشت
۳۲ ص	ص	ص	šaiti	شادی
۳۳ ض	ض	ض	šyaocna	کردار، کار
۳۴ غ	غ	غ	qžar	روان و جاری شدن

اوستا فارسی	واژه از اوستا	نوشتن فارسی	نوشتن لاتین	معنی
۳۵	ف	𐬱𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	فَرَتَر	fratara آغاز، نخست
۳۶	ک	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	کَرَشَوَر	karšvare کشور
۳۷	گ	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	گَاث	gaōša گوش
۳۸	م	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵	مَغَت	maqa مفاک، گودال
۳۹	ن	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	نَمَت	nemata نمد
۴۰	ن	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	دَنَتَن	dan̥tan دندان
۴۱	و	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	وَرَز	vareز ورزیدن
۴۲	»	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	اَمََوَنت	amaivañt دلیر، نیرومند
۴۳	و	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	رَتَوَا	racwā مهارت، بزرگی
۴۴	ه	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀	هَپَتَن	haptan هفت
۴۵	ی	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	یَانَو	yātu جادو
۴۶	ر	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	وَاذِیَ	vaēz̥ya کاردان، دانشمند
۴۷	آنگ	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	مَنَتَگَه	manañh اندیشه، منش
۴۸	نگ	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	دای نگ هو	daiñhu ده،
۴۹	ی	𐬕𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵	یادَچا	yadačā این جا

برای یادگیری مصوت‌های مرکب به آغازبخش چهارم (۱۷) نگاه شود.

در الفبای اوستایی، حرف ل وجود ندارد. معمولاً هنگام خواندن و قرائت بخش‌هایی از اوستا که صورت نماز و دعا پیدا کرده، جا به جا — ادعیه‌ای دیگر را تلاوت می‌کنند یا تکه‌هایی از سایر سرودهای اوستایی قرائت می‌شود برای جلوگیری از تکرار واژهٔ پهلوی «ود» ۳۱۰ که به منزلهٔ از فلان جا «تا» فلان جا است چاپ شده. معمولاً در بخش‌هایی از اوستا که به شعر است، نشانهٔ ارا قرار می‌دهند که مصراع شعر را از هم جدا می‌کند.

کاربرد حرف های با صدای

حرف **لـ** (أ) درس ر واژه آمده و نشانه منفی است و درس ر بیاری از کلمات در می آید:

بدون خواب، به معنی بی خواب، بدون خواب

به معنی بدو فرزند، بی فرزند (بد + دو) (دو + بد)

۱- حرف **ل** در نوشتن و متون اوستایی، در اول، وسط و یا آخر کلمه بدون تفاوت درمی آید:

دولہ دے ، آب :

۱۶۶۶ء آسمان

بسم الله الرحمن الرحيم

۲- حرف الل (آ) نیز در هر جای واژه در می آید، چه در وسط یا اول و یا آخر کلمه:

عدد صفحات ۷۰-۷۴، آئینی.

فصل اول در بیان کلیات

، افزود علم و دانش، دانایی، دانش.

وہ-۱۲۱) دین، وجدان۔

۳- حرف **ح** (۱) این حرف چون **هـ** چون بر سر واژه درآید، شکل و ساخت منفی به کلمه می‌دهد. میشوند و از ادات نفی است، چون:

«𐬵𐬵𐬵𐬵» (𐬵𐬵𐬵𐬵) ، به معنی بی کار، نه ورزنده. ترکیب کلمه چنین است: (𐬵 + 𐬵𐬵𐬵𐬵) که حرف 𐬵 به معنی نه، نشانه نفی و سلب و فقدان است. 𐬵𐬵𐬵𐬵 (= ورز) به معنی ورزیدن، انجام دادن است. در این جا اشاره به نکته ای لازم است. در بند (۴ -) اشاره شد که حرف 𐬵 (= ی) فقط در سر واژه درمی آید. اما چون با واژه ای دیگر ترکیب شود به 𐬵𐬵 (= ی) بدل می شود، یعنی یای وسط.

در این جا نیز چنانکه در یادداشت های حرف 𐬵 (= و) خواهد آمد، اشاره می شود که 𐬵 (= و) فقط در اول کلمه درمی آید، اما در وسط کلمه به شکل «𐬵𐬵» یا «𐬵𐬵» وسط است. اما چون با پیشوند 𐬵 نفی ترکیب شده، به گونه «𐬵𐬵𐬵𐬵» در نوشته می شود نه 𐬵𐬵𐬵𐬵. مثال دوم، «𐬵𐬵𐬵𐬵» به معنی به دست نیاورنده، تحصیل نکننده. حرف 𐬵 در آغاز نشانه نفی و سلب است قسمت دوم از ریشه 𐬵𐬵 و ید می باشد به معنی به دست آوردن، شناختن، کسب کردن.

درست: «𐬵𐬵𐬵𐬵» 𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵.

نادرست: «𐬵𐬵𐬵𐬵» 𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵.

این حرف صدادر - 𐬵 (ا) کوتاه است. در آغاز و میان واژه درمی آید، چون

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 = 𐬵𐬵𐬵𐬵 (تیراندان)

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 = 𐬵𐬵𐬵𐬵 (نقره).

۳- حرف 𐬵 (ا) بلند با کشیده. به ندرت در اول کلمه درمی آید و به جز چند مورد، در اول واژه نیامده که آن موارد نیز در اوستا به صورت 𐬵 (ا کوتاه) نیز ضبط شده است. در وسط کلمه نیز درمی آید:

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 ، به معنی پریشانی، محنت، غم و غمزدگی.

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 ، نیرومند، زورمند. این واژه در گائاهای (ا بلند) ضبط

است، اما در سایر بخش های اوستا با 𐬵 (ا کوتاه) نوشته شده.

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 ، آوَنگنه، به معنی دهان.

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵𐬵 ، گیشوا، به معنی شهرت، آوازه، افتخار.

۴۴ تو، حتماً، مسلماً، به طور حتم.

6۴۴ تو، ضعیف دوم شخص.

۴۴۱-۴۴۲ تونیزیه، تورانی.

۴۴۳-۴۴۴ یوخته، یوغ (با ۳ نیز نوشته می شود).

۱۱- حرف ۱ (ای کوتاه) به معنی رفتن، گذاشتن - آمدن، رسیدن - که در اوستا با پیشوندهایی چند آمده است. این حرف صدادر در اول و میان و پایان واژه درمی آید:

۱-۴۴۵ این، چه، این جا.

۱-۴۴۶ ایریش، به معنی ریشیدن، ریش کردن، زخم زدن یا

مجرع شدن.

۱-۴۴۷ ایشت، یت، خشت.

6۴۴۱-۴۴۴۲ قیین یو، به معنی مینو، روحانی، معنوی، گوهر روح.

۴۴۴۳-۴۴۴۴ ویشته تی تی، به معنی رئیس دهکده: شهرک یا

کدخدا.

۱۲- حرف ۱ (ای کشیده) نیز چون ۱ (ای کوتاه) در همه جای واژه درمی آید:

۱- به معنی این، اشاره به نزدیک است.

۱-۴۴۴۵ ایتر، به معنی آرزو، خوشبختی، فراوانی و سعادت.

۴۴۴۶-۴۴۴۷ آزی زنائی تی- زن آرزومند زابیدن بچه.

۴۴۴۸-۴۴۴۹ به معنی کسی که از پدری شریف است.

نام مادر هوشیدر ماه است.

۱۳- حرف ۱۱ که یکی از حروف صدادر است (a =) تلفظ

می شود. در اول کلمه بسیار کم و بیشتر در وسط کلمات درمی آید:

۱۱-۴۴۴۸ آوئنگه، به معنی نشستن که ۱۱-۴۴۴۹ نیز آمده است.

۴۴۴۹-۴۴۵۰ آوئنگهر، بودند، هستند. از مصدر ۱۱-۴۴۵۱=بودن، هستن.

۱۱-۴۴۵۲-۴۴۵۳ دوژداوئنگه، به معنی آفرینش زبان آور و بد.

کاربرد حرف های بی صدا

- ۱۵-۶- حرف **ل** (ب) تنها به همین صورت نوشته می شود.
- ل** به معنی بخت، اقبال، قسمت. نیز به معنی کوبیده شده، از پوست در آمده (غَلَات).
- ل** به معنی بخشیدن.
- ل** به معنی بستن، بند کردن.
- ل** فرابازو، اندازه ایست در طول. از سر انگشت دست تا ممرشانه، معادل ۳۶ اینچ. جزء دوم **ل** بازو که هنوز در فارسی رایج است.

- ل** ذب، به معنی فریب دادن، گول زدن.
- ۱۶- حرف **ع** (پ) این حرف در همه جای کلمات در آمده و در متن اوستا و دین دبیره کاربرد فراوانی دارد:

- ل** به معنی پنج، عدد پنج.
- ل** پوثر، پسر.
- ل** پشتر، پدر.
- ل** هپته، هفت.
- ل** شپی ته، سفید.

۱۷- **رو** به شپیش، شپیش.

رو آب، آب

۱۷- حرف **رو** (ت) در اول، وسط و آخر واژه درمی آید، اما برای آخر واژه، به

شکلی دیگر این حرف نوشته می شود **رو** که حرف (ت) آخر است:

رو **رو** تنور، تنور.

رو **رو** ترس، به معنی ترسیدن.

رو **رو** تشنه، تشنه، ظرف.

رو **رو** دنتن، دندان.

۱۸- حرف **رو** (ت) به این شکل اغلب و به طور معمول در آخر واژه در می آید:

رو **رو** گرنت، عمل کردن، جراحی کردن.

رو **رو** **رو** **رو** یاتومنت، یعنی جادومند، جادوگر.

به ندرت در میان واژه، در حال ترکیب حرف **رو** ملاحظه می شود. در ترکیب

زیر:

رو **رو** **رو** **رو** دیتوتی به معنی دشمن دیوها، شکست دهنده دیوها،

حرف **رو** وسط کلمه درآمده. واژه مذکور مرکب است از دو جزء:

(**رو** **رو** **رو** **رو**) جزء نخست دیتو به معنی دیو. جزء دوم تیش

رو به معنی شکست دادن، برانداختن، پیروز شدن بر.

حرف **رو** (ت - آخر) در دو یاسه مورد در اول واژه نیز به نظر می رسد:

رو **رو** **رو** **رو** تگیش، به معنی کیش، مذهب.

رو **رو** **رو** تیش، به معنی برانداختن، شکست دادن، پیروز شدن

بر - که ترکیب هایی چند دارد.

۱۹- حرف **رو** (ث - تلفظ این حرف (ت) یا مثل th در انگلیسی و

«ث» در عربی است:

رو **رو** نهری - نری، به معنی سه، عدد سه.

رو **رو** **رو** **رو** نهرائتر = تراثر، به معنی نگهداری، تغذیه، پرورش.

𐬰𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀، درخشیدن، تابیدن.

𐬰𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀، خود، خویش.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀، خوسبیدن.

۲۵- حرف 𐬀 (د) این حرف در همه جای واژه در می آید:

𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، داغ، نشان.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، آفریننده، خالق.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، درز، درزیدن، دوختن (= دَرزِی، دوزنده، خیاط)

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، دانه = مور دانه کش.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، دوغذق، دختر.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، به معنی دانش، علم.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، به معنی خرد، دانش.

۲۶- حرف 𐬀 (ذ) در اوستا بر سر واژه دیده نمی شود، اما در میان واژه

کار بُرد دارد. در تلفظ مخرجی نزدیک به 𐬀 اوستایی و «ث» عربی دارد:

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، زیبرک، باهوش.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، بوی خوش.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، هوش، فهم، آگاهی.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀، بود، برپیدن.

۲۷- حرف 𐬀 (ر) بدون تفاوت در کلمه و واژه ها، بر سر و میان و آخر

کلمات در می آید:

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، رانشته، روشن.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، ریشه، ریش — موی صورت. ریش و زخم.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، روغن.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، رُأچته، روزن.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، رَزور، جنگل، چوب و درخت.

𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀𐬀، رَشیشتر، ارتشی، سپاهی.

۲۸- حرف **𐬵** (ز) نیز در تلفظ همان مخرج و ادای «ز» فارسی را داشته و در همه جای واژه درمی آید:

𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 زَئیرِیْتَه، زرد.
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 زَئیرِیْتَه، زرّین.
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 زَر، برق زدن، درخشیدن — پیر بودن (= زالی ز)
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 زَزْزَدَا، فداکار، صمیمی.
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 بازو، به معنی بازو.
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 زَزْدَ، نزدیک، نزد.
 𐬵𐬵𐬵𐬵𐬵 بَوَزَ، بُر.

۲۹- حرف **𐬵** (ژ) در آغاز کلمه به ندرت درمی آید. در وسط کلمه بیشتر و در آخر کلمه نیز کاربردِ اندک دارد:

𐬵𐬵𐬵𐬵 ژَنا به معنی دانستن، درک کردن.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 ژَنوبَه معنی زانو.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 آژَی به معنی مار، اژدها.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵𐬵 ژَئَوَزْژَ به معنی پاک کردن، تطهیر کردن، درست کردن.

𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵 ټوژ به معنی لرزیدن، تکان خوردن.

۳۰- حرف **𐬵** (س) که کاربرد آن فراوان بوده و در همه جای واژه در می آید:

𐬵𐬵𐬵𐬵 سَازَ به معنی سار، سر، رأس، قله.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 سو، به معنی سودمند بودن.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵 شَخْوَازَ به معنی سخن.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 سوگ، به معنی سوزن.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 𐬵𐬵 شَته آژَ، به معنی ستور.
 𐬵𐬵𐬵𐬵 شَته، ایستادن.

استثنائی، اشتباه نسخ و کاتبان بوده است.

۱۴۰۴-۱۴۰۵ به معنی خواهش، آرزو، خوشی و شادکامی.

۱۹۴۰-۴۱ ایستہ، یہ معنی تندرست، زندہ دل۔

س ل م ی ن « د و ی - خورشید، عدد شش، شش.

فولہ روہ - شیش، بہ معنی شیش کے لہو {دوہ-واٹونوٹ، از
روی مہرانی۔

این حرف پاره‌یی اوقات به حرف **۴۵** (ت) که پس از آن می‌آید، چسبیده و متصل نوشته می‌شود، چون:

سے وسم سے » کہ سچا خشتِ اُفتت، یاری دہندہ، یارمند، یشتیان.

در بند دوم از پستی، نماز، نمازگزار، نماز و عبادت از روی خلوص.

مکان سرور و سعادت و همیشه بهترین، بهشت.

حرف مذکور بہ حرف لہ (ا) و م (ج) نیز گاهی متصل می شود:

۴۵۹ - ۴۶۰

۳۲- حرف **و** (ش) در اوستا چنانکه ملاحظه می شود، سه شکل برای

حرف «ش» موجود است. بی‌گمان کاربرد این حرف در سه شکل، گونه‌های متفاوت و متمایزی داشته که برای ما حائیه پوشیده است. این سه حرف یا شماره‌های ۳۳، ۳۲، ۳۱ معرفی می‌شود.

حرف مورد نظر در همه جای واژه درآمده و همان صدای «ش» در فارسی را دارد:

فصل اول - شاه شادی کردند، شاد بودند. **و** شاه به معنی شدند.

رفتن. سجاد و علی در شوشتر، شهر.

۱۔ فی سبیل اللہ (فرائض، زکوٰۃ، صدقہ، خیرات، وقف، حج، عمرہ، قربانیاں، عطا کیے ہوئے مال وغیرہ)۔

۱- نام و نام خانوادگی: زشنو، برهیزگاری، دادگری، نام ایزدی است.

سر محمد علی آید خوشتر، کشور، پادشاهی، نیرو و اقتدار۔

ر **۵۱۱** ایش، آرزو، خواہش، میل.

س **۵۱۲** هوش، به معنی خشک کردن، خشک شدن. **س ۵۱۳** **۵۱۴** به معنی خشک.

۳۳- حرف **۵۱۵** (ش) چنانکه ملاحظه می شود، سه حرف در اوستا ادای صدای «ش» فارسی را دارد. این حرف در کتابت اوستا، پیش از حرف **۵۱۶** (ی) در می آید، چون:

۵۱۷ **۵۱۸** **۵۱۹** **۵۲۰** به معنی کردار، گشیش - که واژه از لحاظ دستوری بخشی است.

۵۲۱ **۵۲۲** **۵۲۳** **۵۲۴** به معنی کار، کردار، گشیش. که واژه در حالت تأنیث است.

۵۲۵ **۵۲۶** **۵۲۷** **۵۲۸** شپشت، خانه، مسکن.

۵۲۹ **۵۳۰** **۵۳۱** **۵۳۲** به معنی آورنده، به جا آورنده، کردار خوب، خوب کردار.

۵۳۳ **۵۳۴** **۵۳۵** **۵۳۶** شوششت، سود رسان.

۵۳۷ **۵۳۸** **۵۳۹** **۵۴۰** متشبه، به معنی مرد.

۳۴- حرف **۵۴۱** (غ) در اول واژه کم در می آید، اما کاربرد حرف در وسط کلمات بسیار است:

۵۴۲ **۵۴۳** **۵۴۴** **۵۴۵** غَزَز، روان و جاری شدن.

۵۴۶ **۵۴۷** **۵۴۸** **۵۴۹** **۵۵۰** **۵۵۱** **۵۵۲** **۵۵۳** **۵۵۴** **۵۵۵** **۵۵۶** **۵۵۷** **۵۵۸** **۵۵۹** **۵۶۰** **۵۶۱** **۵۶۲** **۵۶۳** **۵۶۴** **۵۶۵** **۵۶۶** **۵۶۷** **۵۶۸** **۵۶۹** **۵۷۰** **۵۷۱** **۵۷۲** **۵۷۳** **۵۷۴** **۵۷۵** **۵۷۶** **۵۷۷** **۵۷۸** **۵۷۹** **۵۸۰** **۵۸۱** **۵۸۲** **۵۸۳** **۵۸۴** **۵۸۵** **۵۸۶** **۵۸۷** **۵۸۸** **۵۸۹** **۵۹۰** **۵۹۱** **۵۹۲** **۵۹۳** **۵۹۴** **۵۹۵** **۵۹۶** **۵۹۷** **۵۹۸** **۵۹۹** **۶۰۰** **۶۰۱** **۶۰۲** **۶۰۳** **۶۰۴** **۶۰۵** **۶۰۶** **۶۰۷** **۶۰۸** **۶۰۹** **۶۱۰** **۶۱۱** **۶۱۲** **۶۱۳** **۶۱۴** **۶۱۵** **۶۱۶** **۶۱۷** **۶۱۸** **۶۱۹** **۶۲۰** **۶۲۱** **۶۲۲** **۶۲۳** **۶۲۴** **۶۲۵** **۶۲۶** **۶۲۷** **۶۲۸** **۶۲۹** **۶۳۰** **۶۳۱** **۶۳۲** **۶۳۳** **۶۳۴** **۶۳۵** **۶۳۶** **۶۳۷** **۶۳۸** **۶۳۹** **۶۴۰** **۶۴۱** **۶۴۲** **۶۴۳** **۶۴۴** **۶۴۵** **۶۴۶** **۶۴۷** **۶۴۸** **۶۴۹** **۶۵۰** **۶۵۱** **۶۵۲** **۶۵۳** **۶۵۴** **۶۵۵** **۶۵۶** **۶۵۷** **۶۵۸** **۶۵۹** **۶۶۰** **۶۶۱** **۶۶۲** **۶۶۳** **۶۶۴** **۶۶۵** **۶۶۶** **۶۶۷** **۶۶۸** **۶۶۹** **۶۷۰** **۶۷۱** **۶۷۲** **۶۷۳** **۶۷۴** **۶۷۵** **۶۷۶** **۶۷۷** **۶۷۸** **۶۷۹** **۶۸۰** **۶۸۱** **۶۸۲** **۶۸۳** **۶۸۴** **۶۸۵** **۶۸۶** **۶۸۷** **۶۸۸** **۶۸۹** **۶۹۰** **۶۹۱** **۶۹۲** **۶۹۳** **۶۹۴** **۶۹۵** **۶۹۶** **۶۹۷** **۶۹۸** **۶۹۹** **۷۰۰** **۷۰۱** **۷۰۲** **۷۰۳** **۷۰۴** **۷۰۵** **۷۰۶** **۷۰۷** **۷۰۸** **۷۰۹** **۷۱۰** **۷۱۱** **۷۱۲** **۷۱۳** **۷۱۴** **۷۱۵** **۷۱۶** **۷۱۷** **۷۱۸** **۷۱۹** **۷۲۰** **۷۲۱** **۷۲۲** **۷۲۳** **۷۲۴** **۷۲۵** **۷۲۶** **۷۲۷** **۷۲۸** **۷۲۹** **۷۳۰** **۷۳۱** **۷۳۲** **۷۳۳** **۷۳۴** **۷۳۵** **۷۳۶** **۷۳۷** **۷۳۸** **۷۳۹** **۷۴۰** **۷۴۱** **۷۴۲** **۷۴۳** **۷۴۴** **۷۴۵** **۷۴۶** **۷۴۷** **۷۴۸** **۷۴۹** **۷۵۰** **۷۵۱** **۷۵۲** **۷۵۳** **۷۵۴** **۷۵۵** **۷۵۶** **۷۵۷** **۷۵۸** **۷۵۹** **۷۶۰** **۷۶۱** **۷۶۲** **۷۶۳** **۷۶۴** **۷۶۵** **۷۶۶** **۷۶۷** **۷۶۸** **۷۶۹** **۷۷۰** **۷۷۱** **۷۷۲** **۷۷۳** **۷۷۴** **۷۷۵** **۷۷۶** **۷۷۷** **۷۷۸** **۷۷۹** **۷۸۰** **۷۸۱** **۷۸۲** **۷۸۳** **۷۸۴** **۷۸۵** **۷۸۶** **۷۸۷** **۷۸۸** **۷۸۹** **۷۹۰** **۷۹۱** **۷۹۲** **۷۹۳** **۷۹۴** **۷۹۵** **۷۹۶** **۷۹۷** **۷۹۸** **۷۹۹** **۸۰۰** **۸۰۱** **۸۰۲** **۸۰۳** **۸۰۴** **۸۰۵** **۸۰۶** **۸۰۷** **۸۰۸** **۸۰۹** **۸۱۰** **۸۱۱** **۸۱۲** **۸۱۳** **۸۱۴** **۸۱۵** **۸۱۶** **۸۱۷** **۸۱۸** **۸۱۹** **۸۲۰** **۸۲۱** **۸۲۲** **۸۲۳** **۸۲۴** **۸۲۵** **۸۲۶** **۸۲۷** **۸۲۸** **۸۲۹** **۸۳۰** **۸۳۱** **۸۳۲** **۸۳۳** **۸۳۴** **۸۳۵** **۸۳۶** **۸۳۷** **۸۳۸** **۸۳۹** **۸۴۰** **۸۴۱** **۸۴۲** **۸۴۳** **۸۴۴** **۸۴۵** **۸۴۶** **۸۴۷** **۸۴۸** **۸۴۹** **۸۵۰** **۸۵۱** **۸۵۲** **۸۵۳** **۸۵۴** **۸۵۵** **۸۵۶** **۸۵۷** **۸۵۸** **۸۵۹** **۸۶۰** **۸۶۱** **۸۶۲** **۸۶۳** **۸۶۴** **۸۶۵** **۸۶۶** **۸۶۷** **۸۶۸** **۸۶۹** **۸۷۰** **۸۷۱** **۸۷۲** **۸۷۳** **۸۷۴** **۸۷۵** **۸۷۶** **۸۷۷** **۸۷۸** **۸۷۹** **۸۸۰** **۸۸۱** **۸۸۲** **۸۸۳** **۸۸۴** **۸۸۵** **۸۸۶** **۸۸۷** **۸۸۸** **۸۸۹** **۸۹۰** **۸۹۱** **۸۹۲** **۸۹۳** **۸۹۴** **۸۹۵** **۸۹۶** **۸۹۷** **۸۹۸** **۸۹۹** **۹۰۰** **۹۰۱** **۹۰۲** **۹۰۳** **۹۰۴** **۹۰۵** **۹۰۶** **۹۰۷** **۹۰۸** **۹۰۹** **۹۱۰** **۹۱۱** **۹۱۲** **۹۱۳** **۹۱۴** **۹۱۵** **۹۱۶** **۹۱۷** **۹۱۸** **۹۱۹** **۹۲۰** **۹۲۱** **۹۲۲** **۹۲۳** **۹۲۴** **۹۲۵** **۹۲۶** **۹۲۷** **۹۲۸** **۹۲۹** **۹۳۰** **۹۳۱** **۹۳۲** **۹۳۳** **۹۳۴** **۹۳۵** **۹۳۶** **۹۳۷** **۹۳۸** **۹۳۹** **۹۴۰** **۹۴۱** **۹۴۲** **۹۴۳** **۹۴۴** **۹۴۵** **۹۴۶** **۹۴۷** **۹۴۸** **۹۴۹** **۹۵۰** **۹۵۱** **۹۵۲** **۹۵۳** **۹۵۴** **۹۵۵** **۹۵۶** **۹۵۷** **۹۵۸** **۹۵۹** **۹۶۰** **۹۶۱** **۹۶۲** **۹۶۳** **۹۶۴** **۹۶۵** **۹۶۶** **۹۶۷** **۹۶۸** **۹۶۹** **۹۷۰** **۹۷۱** **۹۷۲** **۹۷۳** **۹۷۴** **۹۷۵** **۹۷۶** **۹۷۷** **۹۷۸** **۹۷۹** **۹۸۰** **۹۸۱** **۹۸۲** **۹۸۳** **۹۸۴** **۹۸۵** **۹۸۶** **۹۸۷** **۹۸۸** **۹۸۹** **۹۹۰** **۹۹۱** **۹۹۲** **۹۹۳** **۹۹۴** **۹۹۵** **۹۹۶** **۹۹۷** **۹۹۸** **۹۹۹** **۱۰۰۰**

۹۹۹ **۱۰۰۰** غُشِغ، به معنی دندان زدن، گاز گرفتن.

۱۰۰۱ **۱۰۰۲** **۱۰۰۳** **۱۰۰۴** **۱۰۰۵** **۱۰۰۶** **۱۰۰۷** **۱۰۰۸** **۱۰۰۹** **۱۰۱۰** **۱۰۱۱** **۱۰۱۲** **۱۰۱۳** **۱۰۱۴** **۱۰۱۵** **۱۰۱۶** **۱۰۱۷** **۱۰۱۸** **۱۰۱۹** **۱۰۲۰** **۱۰۲۱** **۱۰۲۲** **۱۰۲۳** **۱۰۲۴** **۱۰۲۵** **۱۰۲۶** **۱۰۲۷** **۱۰۲۸** **۱۰۲۹** **۱۰۳۰** **۱۰۳۱** **۱۰۳۲** **۱۰۳۳** **۱۰۳۴** **۱۰۳۵** **۱۰۳۶** **۱۰۳۷** **۱۰۳۸** **۱۰۳۹** **۱۰۴۰** **۱۰۴۱** **۱۰۴۲** **۱۰۴۳** **۱۰۴۴** **۱۰۴۵** **۱۰۴۶** **۱۰۴۷** **۱۰۴۸** **۱۰۴۹** **۱۰۵۰** **۱۰۵۱** **۱۰۵۲** **۱۰۵۳** **۱۰۵۴** **۱۰۵۵** **۱۰۵۶** **۱۰۵۷** **۱۰۵۸** **۱۰۵۹** **۱۰۶۰** **۱۰۶۱** **۱۰۶۲** **۱۰۶۳** **۱۰۶۴** **۱۰۶۵** **۱۰۶۶** **۱۰۶۷** **۱۰۶۸** **۱۰۶۹** **۱۰۷۰** **۱۰۷۱** **۱۰۷۲** **۱۰۷۳** **۱۰۷۴** **۱۰۷۵** **۱۰۷۶** **۱۰۷۷** **۱۰۷۸** **۱۰۷۹** **۱۰۸۰** **۱۰۸۱** **۱۰۸۲** **۱۰۸۳** **۱۰۸۴** **۱۰۸۵** **۱۰۸۶** **۱۰۸۷** **۱۰۸۸** **۱۰۸۹** **۱۰۹۰** **۱۰۹۱** **۱۰۹۲** **۱۰۹۳** **۱۰۹۴** **۱۰۹۵** **۱۰۹۶** **۱۰۹۷** **۱۰۹۸** **۱۰۹۹** **۱۱۰۰** **۱۱۰۱** **۱۱۰۲** **۱۱۰۳** **۱۱۰۴** **۱۱۰۵** **۱۱۰۶** **۱۱۰۷** **۱۱۰۸** **۱۱۰۹** **۱۱۱۰** **۱۱۱۱** **۱۱۱۲** **۱۱۱۳** **۱۱۱۴** **۱۱۱۵** **۱۱۱۶** **۱۱۱۷** **۱۱۱۸** **۱۱۱۹** **۱۱۲۰** **۱۱۲۱** **۱۱۲۲** **۱۱۲۳** **۱۱۲۴** **۱۱۲۵** **۱۱۲۶** **۱۱۲۷** **۱۱۲۸** **۱۱۲۹** **۱۱۳۰** **۱۱۳۱** **۱۱۳۲** **۱۱۳۳** **۱۱۳۴** **۱۱۳۵** **۱۱۳۶** **۱۱۳۷** **۱۱۳۸** **۱۱۳۹** **۱۱۴۰** **۱۱۴۱** **۱۱۴۲** **۱۱۴۳** **۱۱۴۴** **۱۱۴۵** **۱۱۴۶** **۱۱۴۷** **۱۱۴۸** **۱۱۴۹** **۱۱۵۰** **۱۱۵۱** **۱۱۵۲** **۱۱۵۳** **۱۱۵۴** **۱۱۵۵** **۱۱۵۶** **۱۱۵۷** **۱۱۵۸** **۱۱۵۹** **۱۱۶۰** **۱۱۶۱** **۱۱۶۲** **۱۱۶۳** **۱۱۶۴** **۱۱۶۵** **۱۱۶۶** **۱۱۶۷** **۱۱۶۸** **۱۱۶۹** **۱۱۷۰** **۱۱۷۱** **۱۱۷۲** **۱۱۷۳** **۱۱۷۴** **۱۱۷۵** **۱۱۷۶** **۱۱۷۷** **۱۱۷۸** **۱۱۷۹** **۱۱۸۰** **۱۱۸۱** **۱۱۸۲** **۱۱۸۳** **۱۱۸۴** **۱۱۸۵** **۱۱۸۶** **۱۱۸۷** **۱۱۸۸** **۱۱۸۹** **۱۱۹۰** **۱۱۹۱** **۱۱۹۲** **۱۱۹۳** **۱۱۹۴** **۱۱۹۵** **۱۱۹۶** **۱۱۹۷** **۱۱۹۸** **۱۱۹۹** **۱۲۰۰** **۱۲۰۱** **۱۲۰۲** **۱۲۰۳** **۱۲۰۴** **۱۲۰۵** **۱۲۰۶** **۱۲۰۷** **۱۲۰۸** **۱۲۰۹** **۱۲۱۰** **۱۲۱۱** **۱۲۱۲** **۱۲۱۳** **۱۲۱۴** **۱۲۱۵** **۱۲۱۶** **۱۲۱۷** **۱۲۱۸** **۱۲۱۹** **۱۲۲۰** **۱۲۲۱** **۱۲۲۲** **۱۲۲۳** **۱۲۲۴** **۱۲۲۵** **۱۲۲۶** **۱۲۲۷** **۱۲۲۸** **۱۲۲۹** **۱۲۳۰** **۱۲۳۱** **۱۲۳۲** **۱۲۳۳** **۱۲۳۴** **۱۲۳۵** **۱۲۳۶** **۱۲۳۷** **۱۲۳۸** **۱۲۳۹** **۱۲۴۰** **۱۲۴۱** **۱۲۴۲** **۱۲۴۳** **۱۲۴۴** **۱۲۴۵** **۱۲۴۶** **۱۲۴۷** **۱۲۴۸** **۱۲۴۹** **۱۲۵۰** **۱۲۵۱** **۱۲۵۲** **۱۲۵۳** **۱۲۵۴** **۱۲۵۵** **۱۲۵۶** **۱۲۵۷** **۱۲۵۸** **۱۲۵۹** **۱۲۶۰** **۱۲۶۱** **۱۲۶۲** **۱۲۶۳** **۱۲۶۴** **۱۲۶۵** **۱۲۶۶** **۱۲۶۷** **۱۲۶۸** **۱۲۶۹** **۱۲۷۰** **۱۲۷۱** **۱۲۷۲** **۱۲۷۳** **۱۲۷۴** **۱۲۷۵** **۱۲۷۶** **۱۲۷۷** **۱۲۷۸** **۱۲۷۹** **۱۲۸۰** **۱۲۸۱** **۱۲۸۲** **۱۲۸۳** **۱۲۸۴** **۱۲۸۵** **۱۲۸۶** **۱۲۸۷** **۱۲۸۸** **۱۲۸۹** **۱۲۹۰** **۱۲۹۱** **۱۲۹۲** **۱۲۹۳** **۱۲۹۴** **۱۲۹۵** **۱۲۹۶** **۱۲۹۷** **۱۲۹۸** **۱۲۹۹** **۱۳۰۰** **۱۳۰۱** **۱۳۰۲** **۱۳۰۳** **۱۳۰۴** **۱۳۰۵** **۱۳۰۶** **۱۳۰۷** **۱۳۰۸** **۱۳۰۹** **۱۳۱۰** **۱۳۱۱** **۱۳۱۲** **۱۳۱۳** **۱۳۱۴** **۱۳۱۵** **۱۳۱۶** **۱۳۱۷** **۱۳۱۸** **۱۳۱۹** **۱۳۲۰** **۱۳۲۱** **۱۳۲۲** **۱۳۲۳** **۱۳۲۴** **۱۳۲۵** **۱۳۲۶** **۱۳۲۷** **۱۳۲۸** **۱۳۲۹** **۱۳۳۰** **۱۳۳۱** **۱۳۳۲** **۱۳۳۳** **۱۳۳۴** **۱۳۳۵** **۱۳۳۶** **۱۳۳۷** **۱۳۳۸** **۱۳۳۹** **۱۳۴۰** **۱۳۴۱** **۱۳۴۲** **۱۳۴۳** **۱۳۴۴** **۱۳۴۵** **۱۳۴۶** **۱۳۴۷** **۱۳۴۸** **۱۳۴۹** **۱۳۵۰** **۱۳۵۱** **۱۳۵۲** **۱۳۵۳** **۱۳۵۴** **۱۳۵۵** **۱۳۵۶** **۱۳۵۷** **۱۳۵۸** **۱۳۵۹** **۱۳۶۰** **۱۳۶۱** **۱۳۶۲** **۱۳۶۳** **۱۳۶۴** **۱۳۶۵** **۱۳۶۶** **۱۳۶۷** **۱۳۶۸** **۱۳۶۹** **۱۳۷۰** **۱۳۷۱** **۱۳۷۲** **۱۳۷۳** **۱۳۷۴** **۱۳۷۵** **۱۳۷۶** **۱۳۷۷** **۱۳۷۸** **۱۳۷۹** **۱۳۸۰** **۱۳۸۱** **۱۳۸۲** **۱۳۸۳** **۱۳۸۴** **۱۳۸۵** **۱۳۸۶** **۱۳۸۷** **۱۳۸۸** **۱۳۸۹** **۱۳۹۰** **۱۳۹۱** **۱۳۹۲** **۱۳۹۳** **۱۳۹۴** **۱۳۹۵** **۱۳۹۶** **۱۳۹۷** **۱۳۹۸** **۱۳۹۹** **۱۴۰۰** **۱۴۰۱** **۱۴۰۲** **۱۴۰۳** **۱۴۰۴** **۱۴۰۵** **۱۴۰۶** **۱۴۰۷** <

۳۴- در سیم گنبدی، گند می دد ار . گنبدی، گریوه،
بسته.

۳۵- می دد گنبد، گوش. می دد می دد ار گنبد گنبد
به معنی گنبد.

۳۶- گنبد، گرم. می دد «سد»
گنبد، گاودن. می دد «سد» گنبد، گوزن.
۳۷- می دد آگوشه. ناشنیده.
۳۸- می دد زنگه، میچ پا، قوزک پا.
۳۹- می دد زنگه، پا.

۴۰- حرف ۶ (م) که در فارسی همین صدا را دارد، چون:

۶- می دد مژ (= قش) بزرگ، درشت.

۶- می دد می دد مذو- مذ، می، شراب.

۶- می دد مژبه معنی شعردن.

۶- می دد مژ، مردن.

۶- می دد ۹۱ مژگ، مرگ.

۶- می دد ۹۱ مرغ، مرغ.

۶- می دد ۹۱ کاء، کام.

۶- می دد ۹۱ زیمین، مواظب، هوشیار.

۶- می دد ۹۱ زم، زمین.

۴۱- حرف ۱ (ن) همان حرف و تلفظ «ن» فارسی است و در همه جای

واژه در می آید:

۱- می دد نه، از حروف نفی است، نه.

۱- می دد ۱۱ نیر، نیر، نیر، نیر.

۱- می دد ۱۱ ناء، جدا، راه جدا، جایگاه جدا (از ظروف مکان

است).

مکمل داند وھون، خون.

مکات ۳۵۷ ونگھو، خوب، نیک، بہ۔

۴۵- حرف **۳۵** (ی) حرف یاء بزرگ که در سرواژه درمی آید و چنانکه

خواهد آمد، حرف **ر** یعنی یای کوچک در اوستا میان واژه در می آید، چون:

۳۵ د ۹ د ۱ و س م د یوگزشته، به معنی کشت و زراعت حیویا

گندم «۳۰» جو با گندم — غله + ۱۹۵۱-۴۴، کشت و زراعت).

۳۷۵) بُزْ، به معنی بشتن، ستودن، پرستیدن.

۳۵ و ۳۶. بَرْتَه، به معنی ایزد، فرشته، ملک، قابل ستایش.

۳۷ د د د } یَوْن = یَوَان، حَوَان،

۳۹۱۷۱۸۱۹ بقره، به معنی پرستش، نماز، درود، ستایش.

۳۵۷ یا، به معنی سحره جادو.

۳۳۵۵۶۷۸۹۱۰۱۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹۲۰۲۱۲۲۲۳۲۴۲۵۲۶۲۷۲۸۲۹۳۰۳۱۳۲۳۳۳۴۳۵۳۶۳۷۳۸۳۹۴۰۴۱۴۲۴۳۴۴۴۵۴۶۴۷۴۸۴۹۵۰۵۱۵۲۵۳۵۴۵۵۵۶۵۷۵۸۵۹۶۰۶۱۶۲۶۳۶۴۶۵۶۶۶۷۶۸۶۹۷۰۷۱۷۲۷۳۷۴۷۵۷۶۷۷۷۸۷۹۸۰۸۱۸۲۸۳۸۴۸۵۸۶۸۷۸۸۸۹۹۰۹۱۹۲۹۳۹۴۹۵۹۶۹۷۹۸۹۹۱۰۰۰

۱- حرف رز (ی) پای کوچک که در وسط کلمه درمی آید، چون:

۳۹ و د ر ر د یَسْتِیْ، به معنی درخوردن استایش، شایسته استایش.

قُتَيْبُو، مِينُو، مِينُو، مَعْنُو، رُوحَانِي.

666 رزق قیثیه، مار، مارکوش.

بیشتر، دوم، دومی.

درد (درد) الله انبريت، ايراني، آريائي.

«لَا أُفِرُّ لَكَ» لَا أَتَمَرِّقُكَ، أَيْ لَا أَهْجُرُكَ.

۱- حرف { که «آنگ» تلفظ می شود. این حرف کار بُردی محدود

داشته و در اول واژه درنمی آید، چون:

بے نیلے رنگ، داروئی مخدر، نیلے۔

بیتگن، برق، جلا، درخشش.

کے لئے ۹۷۳ء ونگھوذا، باخرد، باہوش، آگاہ۔

ندد ۳۲ شنگه، گشتن، آگاهانیدن.

ندد ۳۳ «ندد» ۳۴ شنگهؤت، فرمانبردار، آموزش پذیر.

ندد ۱۱۱ آنگر، بدخواه، دشمن، کینه ور.

ندد ۳۵ «ندد» آنگهوا، نیروی زندگی، جان، زندگی.

این حرف اغلب میان حرف صدا دار **د** و حرف بی صدای **ه** واقع می شود.

۴۸ — حرف **که** که چون حرف **۳** «آنگ» تلفظ می شود و از حروفی است که در گلو و بینی ادا می گردد، به گونه ای که در بخش بعدی شرح شده — حروف اوستایی مطابق قواعد علمی تقسیماتی صوتی دارد. حرف مذکور، یعنی **که** «آنگ» نیز در وسط کلمه در آمده و کار بُردی بسیار کم دارد و چون حرف **۳** «آنگ» همانند، پیش از حرف **ه** «ه» واقع می شود، چون:

ویدر **که** ۳۶ دَینگهؤ، ده، ایالت، ولایت.

ویدر **که** ۳۷ «ندد» دَینگهؤ، وابسته به ایالت و ده.

کد **که** ۳۸ «رر» ۳۹ «وایشگ» ۴۰ «وایشگ» به معنی بهتر، بیشتر، پیروزی بیشتر و بهتر. چنانکه ملاحظه می شود هر دو حرف **که** و **۳** که در اوستای صدای «آنگ» می دهد در این واژه وجود دارد و حرف **ه** «ه» پس از هر دو آمده است.

کد **که** ۳۹ «رر» ۴۰ «وایشگ» ونگهؤدا، بهتر بخشنده.

۳۱۰ که ۳۲۰ — ۳۳۰ «۶» ۳۴۰ «۶» ۳۵۰ «۶» ۳۶۰ «۶» ۳۷۰ «۶» ۳۸۰ «۶» ۳۹۰ «۶» ۴۰۰ «۶» ۴۱۰ «۶» ۴۲۰ «۶» ۴۳۰ «۶» ۴۴۰ «۶» ۴۵۰ «۶» ۴۶۰ «۶» ۴۷۰ «۶» ۴۸۰ «۶» ۴۹۰ «۶» ۵۰۰ «۶» ۵۱۰ «۶» ۵۲۰ «۶» ۵۳۰ «۶» ۵۴۰ «۶» ۵۵۰ «۶» ۵۶۰ «۶» ۵۷۰ «۶» ۵۸۰ «۶» ۵۹۰ «۶» ۶۰۰ «۶» ۶۱۰ «۶» ۶۲۰ «۶» ۶۳۰ «۶» ۶۴۰ «۶» ۶۵۰ «۶» ۶۶۰ «۶» ۶۷۰ «۶» ۶۸۰ «۶» ۶۹۰ «۶» ۷۰۰ «۶» ۷۱۰ «۶» ۷۲۰ «۶» ۷۳۰ «۶» ۷۴۰ «۶» ۷۵۰ «۶» ۷۶۰ «۶» ۷۷۰ «۶» ۷۸۰ «۶» ۷۹۰ «۶» ۸۰۰ «۶» ۸۱۰ «۶» ۸۲۰ «۶» ۸۳۰ «۶» ۸۴۰ «۶» ۸۵۰ «۶» ۸۶۰ «۶» ۸۷۰ «۶» ۸۸۰ «۶» ۸۹۰ «۶» ۹۰۰ «۶» ۹۱۰ «۶» ۹۲۰ «۶» ۹۳۰ «۶» ۹۴۰ «۶» ۹۵۰ «۶» ۹۶۰ «۶» ۹۷۰ «۶» ۹۸۰ «۶» ۹۹۰ «۶» ۱۰۰۰ «۶»

از ادعیه مورد توجه است.

۴۹ — چنانکه اشاره شد، حرف شماره ۴۵، ۳۵ — یای بزرگ است که در سرواژه درمی آید. کانگا اشاره می کند (واژه نامه — ص ۱۹ حاشیه ۱۲ — گبگر، زبان و گرامر اوستا، ص ۵ و ۷) که در برخی از نسخه های خطی اوستا در سر واژه به جای یای بزرگ = **۳۵** از **۳۵** استفاده شده است. هم چنین حرف یای کوچک در اوستا = **رر** (حرف شماره ۴۶) که اشاره شد در وسط واژه قرار می گیرد، در یسای ۳۵ بند دوم با یای کوچک هست که واژه ای نوشته شده، به

بخش دوم:

تقسیم حروف

۷- دین دبیره یکی از کهنه‌ترین خط‌های حرفی جهان است. چنانکه گذشت، حدود چهل و هشت حرف از این خط کهن باقی است. اما شمار حرف‌های اوستایی پیش از این بوده است. معرودی که کتاب «الفبای زرتشتی» را حدود سال ۳۴۵ هجری تألیف کرده، نوشته که شمار حرف‌هایی که اوستا بدان نوشته شده و آن خط را زرتشت پدید آورده است، شصت حرف بوده است و صوت، هر حرف و صوت شکلی جداگانه داشته و از آنها حرف‌هایی تکرار و حرف‌هایی اسقاط می‌شوند زیرا که ویژه زبان اوستا نیست.

هم چنین در کتاب دیگرش به نام «شربح الدف» نقل کرده است که کتاب زرتشت را که نزد عوام به زمره مشهور است و زرتشتیان آن را آستا می‌نامند، با شصت حرف معجم نوشته شده، یعنی دارای شصت حرف فارسی است.

حمزه اصفهانی که حدود سال‌های ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری درگذشته، نیز در کتاب «الفبای تملی حدود نقیضت» نوشته کتابت فارسی گوناگون بوده و دارای هفت نوع می‌باشد که یکی از آنها «دبی دیره» است که کتابهای دینی خود را بدان خط و حروف می‌نوشتند.

«ابن النذیر» در کتاب «المهرج» که به سال ۳۷۷ هجری تألیف شده، به نقل از عبدالله بن مقلع درگذشته به سال ۱۴۴ هجری آورده است که فارسیان را هفت

نوع کتابت بوده است. یکی از آنها الفبایی بوده که کتاب‌های دینی را بدان می‌نوشتند و آن را دین دیره می‌نامیدند و با آن اوستا را می‌نوشتند. الفبا و کتابت دیگر «ویش دیره» گفته می‌شد و آن سیصد و شصت و پنج حرف بوده است که با آن فراست و زجر و شر شر آب و طنین گوش و اشاره‌های چشم و ایما و غمزه و مانند این‌ها را می‌نوشتند.

۸- از سده‌هایی چند پیش از میلاد، تجوید در ایران و هند رواج داشته. بدین معنی که سرودها و ادعیه مذهبی را با زمزمه و آهنگ می‌خواندند و اطلاق و نامیدن اوستا به زمزمه و یا یاد کرد قرائت سرودها و ادعیه دینی زرتشتیان به زمزمه کردن و اهل زمزمه از این رهگذر است. وسواس بسیار در خواندن درست و با آهنگ و ادای حرف‌ها از مخارج صوتی صحیح، اهمیت فراوانی داشت و تأثیر این ادعیه و یا قبول آن به درگاه خداوند، وابسته به این طرز قرائت و خواندن درست داشت و این خود علمی بود. علمی که در آن از خواندن درست و با آهنگ و ادای صحیح حروف از مخارج صوتی بحث می‌شود و این علم حالیه و از اوایل ساسانیان به بعد تجوید نامیده می‌شود و می‌شده است.

پیش از این، در زمان ساسانیان و پیش از آن، علاوه بر علم تجوید، حروف و یژه‌ای، یا علامات مخصوصی برای ضبط زمزمه، اصوات و قرائت متون مذهبی وجود داشته است. هم چنین روش‌ها و ترتیب‌های دقیقی برای یادگیری قرائت درست اوستا و وِداها، آهنگ‌ها، مخارج صوتی، قطع و وصل، درنگ و یا پیوسته خواندن، جلی و یا خفی خواندن ... موجود بوده که اکنون هنوز بعضی از آن اصطلاحات در اوستای کنونی و ترجمه‌های پهلوی آنها موجود است.

موبدان و مغان عصر ساسانی در آموزش این علم، کوشش بسیار به کار می‌بردند و از جمله علوم سری و مخفی بوده است که میان روحانیان عصر ساسانی حفظ می‌شد و گسترش و اشاعه عام نداشت. به همین جهت پس از ساسانیان، نتوانستند اطلاعات و آگاهی‌های کافی از این دانش حاصل کنند.

تجوید که امروزه واژه‌ای عربی شناخته می‌شود، در لغت به معنی «خوب کردن» است و در اصطلاح ادا کردن هر حرف از مخرج صوتی و یژه همان حرف است به شکلی که شناخته شود از حروف همانند. واژه تجوید در عربی از ریشه جاد است و این کلمه به هیچ صورت و صیغه‌ای در ادبیات به کار نرفته است و معانی لغوی آن با معنی اصطلاحی هیچ گونه ربطی ندارد. کلمه «جاد» در واقع مُتَرَبِّ گات می‌باشد که کلمه‌ای اوستایی است به معنی خواندن با آهنگ، سرود.

مخارج ادای حروف ه در برخی از کتاب‌ها به طریق زیر تقسیم شده است:

حروف نهجی از سه موضع بیرون می‌آید: ۱- حلق ۲- دهان ۳- لب و دندان و خیشوم. هر یک از این سه، نیز چند مخرج دارد. حلق سه مخرج دارد. دهان ده مخرج. لب و دندان نیز چندین مخرج ادا دارد. در این مورد اختلاف‌هایی نیز هست. اما منظور آنکه تعدد و شمار حرف‌ها در نوشتن اوستا، وابسته به امر تجوید و یا درست و با آهنگ خواندن بوده است که مربوط به علم موسیقی نیز می‌شود که از حوصله این گفتار بیرون است.

در این جا فقط برای نمودن و اشاره، به تقسیم‌هایی که نزدیک به هم پروفیسور گیگر و جکسن کرده‌اند اشاره می‌شود. ه. این تقسیم‌ها از مخارج صوتی میان همه محققان یک سان نیست، و چون در این مورد، منظور بحثی اختصاصی نیز نمی‌باشد، به همین بسنده می‌شود.

۹- در بخش نخست از حروف مصوت یا صدا دار و حروف بی‌صدا یاد شد. حروف مصوت یا کوتاه هستند یا بلند و کشیده. به این معنی که هر مصوتی یا هنگام قرائت کوتاه ادا می‌شود یا بلند و کشیده.

ه - نگاه کنید به کتاب «دبیره» از ذبیح بهروز. ص ۲۶ به بعد.

** - W. Jackson: Avesta Reader. p. 34. Stuttgart. 1893. Wilhelm Geiger: Handbuch Der Awestasprache. S. 5. Erlangen. 1879.

نوشتن و خواندن ساده با الفبای دین دبیره

۱۰- برای آسانی در خواندن و نوشتن، بدون این که همه حروف های
صدادار و بی صدا را به کار ببریم، می توان نوشت و خواند، در این بخش با روش
پاد شده، شیوه آسان نوشتن و خواندن را با کتابت «دین دبیره» یا الفبای اوستایی
می آموزیم.

چنانکه گذشت و یادآوری شد، در نگاشت اوستایی حرف 𐬀 وجود ندارد. برای این منظور از $\text{𐬀} = \text{ل}$ که در پهلوی به کار می‌رود استفاده خواهد شد.

دندل = لب دندل = لا دندل = لا

در اوستا چنانکه گذشت، حروف صدا دار، چهارده حرف است، که هر مصوتی تلفظ کوتاه و کشیده دارد. برای آسان و ساده نویسی، حروف کشیده را به کار نمی بریم. برای حرف صدا دار «ا» چهار شکل هست که یکی را برمی گیریم. از حرف **𐬀** (= ن)، که در بنی تلفظ واد می شود و **𐬁** (= ن)، که با حرف اشاره شده تقریباً یکی است. و حرف **𐬂** (= ژ) و دو حرف **𐬃** - **𐬄** (= آنگ) و از سه حرف **𐬅** - **𐬆** - **𐬇** که هر سه **𐬈** (= س) است. شکل سوه **𐬉** (= و) را انتخاب می کنیم. به مننداری تمرین، نوشتن و خواندن، چون تا اندازه ای آشنایی حاصل شد، آنگاه در بخش بعدی به نوشتن و

همان حرف در میان یا پایان واژه درآید به شکل دیگری نوشته می شود، چون:

𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢

حرف 𐭠=و، در سر کلمه درمی آید، اما چون وسط و آخر کلمه قرار گیرد به شکل «𐭠» نوشته می شود. برای آسانی همان شکل «𐭠» را برمی گزینیم. هم چنین حرف 𐭡=ی، در سر واژه درمی آید و برای میان واژه حرف 𐭡 مقرر است که از آن استفاده می کنیم. و حرف 𐭢=ت در پایان واژه درمی آید، اما در سر و میان واژه به شکل 𐭣 نوشته می شود که جهت آسان نویسی همین شکل و حرف اخیر مورد استفاده قرار می گیرد. اینک جدول حروف بی صدا با توجه به ترتیب الفبای فارسی:

دین دبیره فارسی مثال با املای فارسی املای اوستایی

𐭠	ب	باؤز - آب	𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢 𐭠𐭡𐭢
𐭡	پ	پارو - پیدن	𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣 𐭡𐭢𐭣
𐭢	ت	تار - توفان	𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣 𐭢𐭣𐭣
𐭣	ث	ثلاث	𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣 𐭣𐭣𐭣
𐭤	ج	جارو - مجنون	𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣 𐭤𐭢𐭣
𐭥	چ	چاره - مچ	𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣 𐭥𐭢𐭣
𐭦	خ	خلال - تلخ	𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣 𐭦𐭢𐭣
𐭧	خو	خواهر - خوراک	𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣 𐭧𐭢𐭣
𐭨	د	داد - پدید	𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣 𐭨𐭢𐭣
𐭩	ذ	ذلیل - اذن	𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣 𐭩𐭢𐭣
𐭪	ر	فراز - راد	𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣 𐭪𐭢𐭣
𐭫	ز	زیره - زفرقه	𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣 𐭫𐭢𐭣

املاي اوستايي

دين دبیره فارسي مثال با املاي فارسي

وله	ژ	ژاله - مُرگان	وله سد ۴۲ - ۱۶ وله سد ۱
وو	س	سایه - دست	وو سد ۴۲ - ۱۶ وو سد ۱
وش	ش	شادی - شبشه	وش سد ۴۲ - ۱۶ و سد ۱
۹	غ	غار - مُغاک	۹ سد ۴۲ - ۱۶ ۹ سد ۱
ف	ف	فارس - ردیف	ف سد ۴۲ - ۱۶ ف سد ۱
ک	ک	کِرمان - ناک	ک ۱۶ سد ۱ - ۴۲ ک سد ۱
گ	گ	گرم - کفگیر	گ ۱۶ سد ۱ - ۴۲ گ سد ۱
ل	ل	لال - قلال	ل ۱۶ سد ۱ - ۴۲ ل سد ۱
م	م	مست - تَریش	م ۱۶ سد ۱ - ۴۲ م سد ۱
ن	ن	نازنین - آثار	ن ۱۶ سد ۱ - ۴۲ ن سد ۱
و	و	واژه - اوین	و ۱۶ سد ۱ - ۴۲ و سد ۱
ه	ه	هوا - نهی	ه ۱۶ سد ۱ - ۴۲ ه سد ۱
ی	ی	یار - میان - می	ی ۱۶ سد ۱ - ۴۲ ی سد ۱

۱۳- اینک بر مبنای ترتیب یاد شده از الفبای «دين دبیره» یا الفبا و حروفی که اوستا بدان نوشته شده است، نمونه‌هایی برای تمرین نقل می‌شود تا با کاربردهای بیشتر، روانی و آسانی فرادست آید. این تمرین‌ها که به یادگیری می‌انجامد، ما را برای خواندن و نوشتن و درک بهتر متن‌های اوستایی آماده می‌کند.

چنانکه اشاره شد، در اوستا هر واژه با یک نقطه از واژه دیگر جدا می‌شود. واژه‌های مرکب در اوستا، اغلب با یک تیره (—) در میان دو جزء نشان داده می‌شود. در ساده‌نویسی و تمرین‌هایی که می‌آید، تنها در مورد لزوم است که از تیره برای کلمات مرکب استفاده می‌شود، چون:

می	۶۴
دریا	۷۵
مزدان	۷۳

مورد سود حرف «و» است که در اوستا به دو شکل برای اول و میان واژه مورد استفاده است و در شماره‌های ۱۴۲-۱۴۱ جدول، بخش نخست توضیح شد. حرف **مک** = و، هرگاه در آغاز واژه درآید به صورت باد شده. و هرگاه به شکل «**م**» و باشد. در میان و پایان واژه است. مثال:

واژہ	مکسڈ فلف ۶۷
واژگون	مکسڈ فلف سے ۶۸
وچر	مکسڈ ۶۹ (= فتوا، دستور، حاکم شرع)
مویز	۶۷ ۶۸
آوردن	۶۹ ۷۰

۶۴ — در تهرین هری که می آید، جمله ها، نیم بیت ها و بیت هایی از متن های نو و کهن به فارسی و دین دبیره نقل می شود:

$\{ \dots, -9, -8, -7, -6, -5, -4, -3, -2, -1, 0, 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, \dots \}$

۴- به اندازه خوردن، تا دیر پای باشید.

[illegible]

در جمله یاد شده، باید متوجه باشیم که حرف **م** در حرف دین دبره، همان حرف «**م**» فارسی است که بیست و نه (۲۹) و نه (۹) و می (۵) حرف:

[illegible][illegible]

بُود آن علم دین و کرفته و داد که هر چه آن بیشتر جان بیشتر شاد
 ۱۶۱ «د» و «س» ۶۱۶ «و» ۱۶۱ «ه» ۱۶۱ «ی» و «ی» و «ی»
 ۱۶۱ «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی»
 کسی کولت داتش بیاید به هر لحظه بدو افزون شتابد
 ۱۶۱ «د» و «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» و «ی»
 ۱۶۱ «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی»
 اگر بردانش آید رای و راهت بهشت روشن آید جایگاهت
 ۱۶۱ «د» و «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» و «ی»
 ۱۶۱ «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی»
 به داتش رنج می بر شب و روز نذین جان و روان خود برافروز
 ۱۶۱ «د» و «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» و «ی»
 ۱۶۱ «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی»
 کسر در بند بهر دین و یزدان قشور سمرت و آئین دزدان
 ۱۶۱ «د» و «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» و «ی»
 ۱۶۱ «س» ۱۶۱ «و» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی» ۱۶۱ «ی»

۹- برای نشانه و علامت سید (۰) که در حروف و سید در سید (۰) بر روی حروف استفاده می شود و این سید قرار دارد به آسمی که می را که حروفی مشتق دارند می توان نوشت. چون:

آره	س	پژ	س
نذین	و	ن	س
مشت	و	م	و

چند تمرین

مطالب را به الفبای دین دبیره برگردانید

۱۵- برای تمرین، در این بند، مطالبی برگزیده و درج شده است. آن‌ها را با رعایت چند دستور ساده‌ای که گذشت به الفبای دین دبیره برگردانید. نکات زیر را مورد توجه قرار دهید.

برای نوشتن واژه‌هایی که در آنها حرفی مشدد هست، از نشانه تیره (—) بر روی حرف استفاده شود، چون:

۱- بقال = بـقـال بـقـال عتار = عـتـار

۲- چون حرف «ل» در اوستا نیست، از نشانه Δ که در پهلوی صدای ل — را دارد استفاده شود.

۳- های غیر ملفوظ را به پیروی از روش نوشتن در فارسی، می‌توان نوشت و در خواندن تلفظ نکرد.

خانه = خـانـه مایه = مـایـه

۴- حرف «ع» را که در وسط واژه درمی‌آید، و الف یا همزه ساکن را نیز که در وسط یا پایان واژه در می‌آید، می‌توان با حرف مصوت Δ (= آ) اما به شکل واژگون (= ن) نوشت، چون:

مأوا = مـاـوـا اغثننا = اـغـثـنـنا

انشاء = انـشـاء معلوم = مـعـلـوم

[illegible]

چند بیت شعری که در زیر با الفبای دین دبیری نوشته شده، از سروده های دقیق شاعر پراوازه نیمه سده چهارم هجری است که پیش از فردوسی به نظم «شاهنامه» آغاز کرد^۱:

۱۹۹۹-۱۴۰۱. ۱۳۹۹-۱۴۰۰. ۱۳۹۸-۱۳۹۹. ۱۳۹۷-۱۳۹۸. ۱۳۹۶-۱۳۹۷. ۱۳۹۵-۱۳۹۶. ۱۳۹۴-۱۳۹۵. ۱۳۹۳-۱۳۹۴. ۱۳۹۲-۱۳۹۳. ۱۳۹۱-۱۳۹۲. ۱۳۹۰-۱۳۹۱. ۱۳۸۹-۱۳۹۰. ۱۳۸۸-۱۳۸۹. ۱۳۸۷-۱۳۸۸. ۱۳۸۶-۱۳۸۷. ۱۳۸۵-۱۳۸۶. ۱۳۸۴-۱۳۸۵. ۱۳۸۳-۱۳۸۴. ۱۳۸۲-۱۳۸۳. ۱۳۸۱-۱۳۸۲. ۱۳۸۰-۱۳۸۱. ۱۳۷۹-۱۳۸۰. ۱۳۷۸-۱۳۷۹. ۱۳۷۷-۱۳۷۸. ۱۳۷۶-۱۳۷۷. ۱۳۷۵-۱۳۷۶. ۱۳۷۴-۱۳۷۵. ۱۳۷۳-۱۳۷۴. ۱۳۷۲-۱۳۷۳. ۱۳۷۱-۱۳۷۲. ۱۳۷۰-۱۳۷۱. ۱۳۶۹-۱۳۷۰. ۱۳۶۸-۱۳۶۹. ۱۳۶۷-۱۳۶۸. ۱۳۶۶-۱۳۶۷. ۱۳۶۵-۱۳۶۶. ۱۳۶۴-۱۳۶۵. ۱۳۶۳-۱۳۶۴. ۱۳۶۲-۱۳۶۳. ۱۳۶۱-۱۳۶۲. ۱۳۶۰-۱۳۶۱. ۱۳۵۹-۱۳۶۰. ۱۳۵۸-۱۳۵۹. ۱۳۵۷-۱۳۵۸. ۱۳۵۶-۱۳۵۷. ۱۳۵۵-۱۳۵۶. ۱۳۵۴-۱۳۵۵. ۱۳۵۳-۱۳۵۴. ۱۳۵۲-۱۳۵۳. ۱۳۵۱-۱۳۵۲. ۱۳۵۰-۱۳۵۱. ۱۳۴۹-۱۳۵۰. ۱۳۴۸-۱۳۴۹. ۱۳۴۷-۱۳۴۸. ۱۳۴۶-۱۳۴۷. ۱۳۴۵-۱۳۴۶. ۱۳۴۴-۱۳۴۵. ۱۳۴۳-۱۳۴۴. ۱۳۴۲-۱۳۴۳. ۱۳۴۱-۱۳۴۲. ۱۳۴۰-۱۳۴۱. ۱۳۳۹-۱۳۴۰. ۱۳۳۸-۱۳۳۹. ۱۳۳۷-۱۳۳۸. ۱۳۳۶-۱۳۳۷. ۱۳۳۵-۱۳۳۶. ۱۳۳۴-۱۳۳۵. ۱۳۳۳-۱۳۳۴. ۱۳۳۲-۱۳۳۳. ۱۳۳۱-۱۳۳۲. ۱۳۳۰-۱۳۳۱. ۱۳۲۹-۱۳۳۰. ۱۳۲۸-۱۳۲۹. ۱۳۲۷-۱۳۲۸. ۱۳۲۶-۱۳۲۷. ۱۳۲۵-۱۳۲۶. ۱۳۲۴-۱۳۲۵. ۱۳۲۳-۱۳۲۴. ۱۳۲۲-۱۳۲۳. ۱۳۲۱-۱۳۲۲. ۱۳۲۰-۱۳۲۱. ۱۳۱۹-۱۳۲۰. ۱۳۱۸-۱۳۱۹. ۱۳۱۷-۱۳۱۸. ۱۳۱۶-۱۳۱۷. ۱۳۱۵-۱۳۱۶. ۱۳۱۴-۱۳۱۵. ۱۳۱۳-۱۳۱۴. ۱۳۱۲-۱۳۱۳. ۱۳۱۱-۱۳۱۲. ۱۳۱۰-۱۳۱۱. ۱۳۰۹-۱۳۱۰. ۱۳۰۸-۱۳۰۹. ۱۳۰۷-۱۳۰۸. ۱۳۰۶-۱۳۰۷. ۱۳۰۵-۱۳۰۶. ۱۳۰۴-۱۳۰۵. ۱۳۰۳-۱۳۰۴. ۱۳۰۲-۱۳۰۳. ۱۳۰۱-۱۳۰۲. ۱۳۰۰-۱۳۰۱. ۱۲۹۹-۱۳۰۰. ۱۲۹۸-۱۲۹۹. ۱۲۹۷-۱۲۹۸. ۱۲۹۶-۱۲۹۷. ۱۲۹۵-۱۲۹۶. ۱۲۹۴-۱۲۹۵. ۱۲۹۳-۱۲۹۴. ۱۲۹۲-۱۲۹۳. ۱۲۹۱-۱۲۹۲. ۱۲۹۰-۱۲۹۱. ۱۲۸۹-۱۲۹۰. ۱۲۸۸-۱۲۸۹. ۱۲۸۷-۱۲۸۸. ۱۲۸۶-۱۲۸۷. ۱۲۸۵-۱۲۸۶. ۱۲۸۴-۱۲۸۵. ۱۲۸۳-۱۲۸۴. ۱۲۸۲-۱۲۸۳. ۱۲۸۱-۱۲۸۲. ۱۲۸۰-۱۲۸۱. ۱۲۷۹-۱۲۸۰. ۱۲۷۸-۱۲۷۹. ۱۲۷۷-۱۲۷۸. ۱۲۷۶-۱۲۷۷. ۱۲۷۵-۱۲۷۶. ۱۲۷۴-۱۲۷۵. ۱۲۷۳-۱۲۷۴. ۱۲۷۲-۱۲۷۳. ۱۲۷۱-۱۲۷۲. ۱۲۷۰-۱۲۷۱. ۱۲۶۹-۱۲۷۰. ۱۲۶۸-۱۲۶۹. ۱۲۶۷-۱۲۶۸. ۱۲۶۶-۱۲۶۷. ۱۲۶۵-۱۲۶۶. ۱۲۶۴-۱۲۶۵. ۱۲۶۳-۱۲۶۴. ۱۲۶۲-۱۲۶۳. ۱۲۶۱-۱۲۶۲. ۱۲۶۰-۱۲۶۱. ۱۲۵۹-۱۲۶۰. ۱۲۵۸-۱۲۵۹. ۱۲۵۷-۱۲۵۸. ۱۲۵۶-۱۲۵۷. ۱۲۵۵-۱۲۵۶. ۱۲۵۴-۱۲۵۵. ۱۲۵۳-۱۲۵۴. ۱۲۵۲-۱۲۵۳. ۱۲۵۱-۱۲۵۲. ۱۲۵۰-۱۲۵۱. ۱۲۴۹-۱۲۵۰. ۱۲۴۸-۱۲۴۹. ۱۲۴۷-۱۲۴۸. ۱۲۴۶-۱۲۴۷. ۱۲۴۵-۱۲۴۶. ۱۲۴۴-۱۲۴۵. ۱۲۴۳-۱۲۴۴. ۱۲۴۲-۱۲۴۳. ۱۲۴۱-۱۲۴۲. ۱۲۴۰-۱۲۴۱. ۱۲۳۹-۱۲۴۰. ۱۲۳۸-۱۲۳۹. ۱۲۳۷-۱۲۳۸. ۱۲۳۶-۱۲۳۷. ۱۲۳۵-۱۲۳۶. ۱۲۳۴-۱۲۳۵. ۱۲۳۳-۱۲۳۴. ۱۲۳۲-۱۲۳۳. ۱۲۳۱-۱۲۳۲. ۱۲۳۰-۱۲۳۱. ۱۲۲۹-۱۲۳۰. ۱۲۲۸-۱۲۲۹. ۱۲۲۷-۱۲۲۸. ۱۲۲۶-۱۲۲۷. ۱۲۲۵-۱۲۲۶. ۱۲۲۴-۱۲۲۵. ۱۲۲۳-۱۲۲۴. ۱۲۲۲-۱۲۲۳. ۱۲۲۱-۱۲۲۲. ۱۲۲۰-۱۲۲۱. ۱۲۱۹-۱۲۲۰. ۱۲۱۸-۱۲۱۹. ۱۲۱۷-۱۲۱۸. ۱۲۱۶-۱۲۱۷. ۱۲۱۵-۱۲۱۶. ۱۲۱۴-۱۲۱۵. ۱۲۱۳-۱۲۱۴. ۱۲۱۲-۱۲۱۳. ۱۲۱۱-۱۲۱۲. ۱۲۱۰-۱۲۱۱. ۱۲۰۹-۱۲۱۰. ۱۲۰۸-۱۲۰۹. ۱۲۰۷-۱۲۰۸. ۱۲۰۶-۱۲۰۷. ۱۲۰۵-۱۲۰۶. ۱۲۰۴-۱۲۰۵. ۱۲۰۳-۱۲۰۴. ۱۲۰۲-۱۲۰۳. ۱۲۰۱-۱۲۰۲. ۱۲۰۰-۱۲۰۱. ۱۱۹۹-۱۲۰۰. ۱۱۹۸-۱۱۹۹. ۱۱۹۷-۱۱۹۸. ۱۱۹۶-۱۱۹۷. ۱۱۹۵-۱۱۹۶. ۱۱۹۴-۱۱۹۵. ۱۱۹۳-۱۱۹۴. ۱۱۹۲-۱۱۹۳. ۱۱۹۱-۱۱۹۲. ۱۱۹۰-۱۱۹۱. ۱۱۸۹-۱۱۹۰. ۱۱۸۸-۱۱۸۹. ۱۱۸۷-۱۱۸۸. ۱۱۸۶-۱۱۸۷. ۱۱۸

数量指标

[illegible]

有 有 容 容 容

ایات زیر از فردوسی است و برگزیده از شاهنامه^۵:

[illegible]

کتاب فرائد اوستا

مصوت‌های مرکب

۱۷- در جدول حروف دین دبیره از چهارده حرف با صدا و سی و چهار حرف بی صدا، با مثال‌ها یاد شد. در این جا برای آگاهی بیشتر، اشاره می‌شود که شش مصوت مرکب نیز در حروف دین دبیره هست. کاربرد این شش حرف با صدای مرکب، هنگامی است که اوستا خوانی با آهنگ و تجوید انجام شود که تربیت شدگان و آموختگان در چنین هنگامی، این مصوت‌های مرکب را دو صدایی می‌خوانند و تلفظ می‌کنند. مصوت‌های مرکب مطابق با جدول گیاره چنین است:

ae = آ ای = 𐬀𐬀

ae = آ ای، 𐬀𐬀

oi = اوی = 𐬀𐬀

oi = اوی، 𐬀𐬀

au = آ او = 𐬀𐬀

au = آ او، 𐬀𐬀

۱۸- در صفحات بعدی، متن اوستایی: ایشم و هو، یتا آهو، سروش باز، کشتی بستن و اورمزد یشت آمده است. جهت تمرین و یادگیری درست، بخوانید و نویسه فارسی آن را با زیر و زبر بنویسید.

و اما در مورد ...
...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

۳۱۱۱ سے ۶۶۶۶ - کد سے ۲۰۲۰ کد
۳۱۱۱ سے ۶۶۶۶ - کد سے ۲۰۲۰ کد

۳۱۱۱ سے ۶۶۶۶ - کد سے ۲۰۲۰ کد
۳۱۱۱ سے ۶۶۶۶ - کد سے ۲۰۲۰ کد

۳۱۱۱ سے ۶۶۶۶ - کد سے ۲۰۲۰ کد